

# بررسی عوامل مؤثر بر ناکارآمدی سنجش و پذیرش دانشجو در ایران

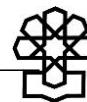
معاونت پژوهش‌های اجتماعی – فرهنگی  
دفتر: مطالعات آموزش و فرهنگ

کد موضوعی: ۲۷۰  
شماره مسلسل: ۱۷۰۸۶  
خردادماه ۱۳۹۹

## به نام خدا

### فهرست مطالب

|         |                                                                              |
|---------|------------------------------------------------------------------------------|
| ۱.....  | چکیده                                                                        |
| ۱.....  | مقدمه                                                                        |
| ۲.....  | ۱. تاریخچه سنجش و پذیرش در ایران                                             |
| ۲.....  | ۱-۱. تاریخچه سنجش و پذیرش در ایران قبل از پیروزی انقلاب اسلامی               |
| ۵.....  | ۱-۲. تاریخچه سنجش و پذیرش در ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی                |
| ۸.....  | ۱-۳. جمع‌بندی تاریخچه سنجش و پذیرش قبل از انقلاب اسلامی                      |
| ۸.....  | ۱-۴. جمع‌بندی تاریخچه سنجش و پذیرش پس از انقلاب اسلامی                       |
| ۹.....  | ۲. عوامل و مسائل مؤثر بر سنجش و پذیرش دانشجو در ایران                        |
| ۹.....  | ۳. عوامل بیرون از نظام سنجش و پذیرش و تأثیرگذار بر سنجش و پذیرش در ایران     |
| ۱۰..... | ۱-۳. تشتت در سیاستگذاری و تصمیم‌گیری در حوزه سنجش و پذیرش                    |
| ۱۰..... | ۲-۳. نظام حقوق و دستمزد و بیکاری دانش‌آموختگان دانشگاهی در بسیاری از رشته‌ها |
| ۱۲..... | ۳-۳. نظام استخدام و مدرک‌گرایی                                               |
| ۱۳..... | ۳-۴. پایگاه اجتماعی و فرهنگ جامعه                                            |
| ۱۳..... | ۳-۵. تبلیغات آموزشگاه‌های آزاد متولی کلاس‌های کنکور و انتشارات کنکوری        |
| ۱۴..... | ۳-۶. آشفتنی بازار کار، دشواری کسب‌وکار و ضعف فرهنگ کار و کارآفرینی           |
| ۱۵..... | ۴. عوامل درونی نظام سنجش و پذیرش                                             |
| ۱۵..... | ۱-۴. ابزار سنجش؛ کنکور                                                       |
| ۱۷..... | ۲-۴. ابزار سنجش، سابقه تحصیلی                                                |
| ۱۸..... | ۳-۴. روش پذیرش                                                               |
| ۱۸..... | ۴-۴. سهمیه‌های گوناگون                                                       |
| ۱۸..... | ۵-۴. عدم مشارکت دانشگاه‌ها در ارتقای سنجش و پذیرش دانشجو                     |
| ۱۹..... | ۶-۴. ساختار نظام سنجش و پذیرش (چندپارگی نظام آموزش عالی ایران)               |
| ۲۰..... | نتیجه‌گیری و پیشنهاد                                                         |
| ۲۲..... | منابع و مأخذ                                                                 |



## بررسی عوامل مؤثر بر ناکارآمدی سنجش و پذیرش دانشجو در ایران

### چکیده

این گزارش مروری بر تاریخچه سنجش و پذیرش در کشور ایران داشته و اهم تغییرات سنجش و پذیرش از جمله برگزاری اولین آزمون سراسری، نقش دانشگاه‌ها در پذیرش دانشجو، ورود سهمیه‌ها به پذیرش و ورود مجلس شورای اسلامی به سنجش و پذیرش دانشجو را مورد توجه قرار داده است. پس از آن عمده مشکلات و آسیب‌های ناشی از سنجش و پذیرش آمده است. باید اذعان داشت همه مشکلات مبتلا به سنجش و پذیرش در ایران صرفاً ناشی از ابزار سنجش (کنکور) و یا نظام سنجش و پذیرش نیست، بلکه این مسئله خود معلول عوامل و متغیرهای دیگری است. در یک دسته‌بندی کلی عوامل تأثیرگذار بر سنجش و پذیرش در ایران به دو دسته عوامل بیرونی و درونی نظام سنجش و پذیرش تقسیم‌بندی شده‌اند. از جمله مهم‌ترین عوامل بیرونی تأثیرگذار بر نظام سنجش و پذیرش عبارتند از: نظام نامتوازن پرداخت حقوق و دستمزد رسته و رشته‌های مختلف شغلی، بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در اغلب رشته‌ها (حدود ۵۰ درصد از دانش‌آموختگان رشته‌های فنی و مهندسی، هنر، کشاورزی و دامپزشکی، علوم پایه و علوم انسانی بیکار هستند) و فشار خانواده‌ها بر جوانان در توجه به رشته‌های خاص، مدرک‌گرایی مبتنی بر مدارک دانشگاهی به دلیل نظام استخدام بر محوریت مدرک دانشگاهی و نه مهارت‌محوری، نظام اشتغال و ارزشگذاری مشاغل (غالب بودن اشتغال دولتی و کارمندمحوری)، فرهنگ کسب‌وکار در کشور و مکانیسم‌های بازار و اقتصاد کشور، ضعف نظام کارآفرینی و فرایندهای ناقص نظام بیمه و رفاه اجتماعی همه مشاغل و تبلیغات آموزشگاه‌ها، مؤسسات و انتشارات کنکوری. همچنین، از مهم‌ترین عوامل درونی نظام سنجش و پذیرش می‌توان تنوع و چندگانگی نهادهای متولی سنجش و پذیرش، پایین بودن کیفیت ابزارهای سنجش (کنکور و سابقه تحصیلی) و وجود سهمیه‌های متنوع و متعدد در پذیرش دانشجو را نام برد.

### مقدمه

یکی از پدیده‌ها و رویدادهای مهم تأثیرگذار بر آموزش، چه آموزش عالی و چه آموزش عمومی، سنجش و پذیرش دانشجو است. زیرا سنجش و پذیرش با غربالگری خروجی‌های آموزش و پرورش عمومی، ورودی‌های آموزش عالی را تعیین می‌کند. بنابراین توجه به مشکلات و چالش‌های سنجش و پذیرش و مطالعه آن یکی از ضروریات با هدف حفظ کیفیت آموزش و برقراری عدالت نسبی در برخورداری مردم از آموزش عالی است.

تاکنون بسیاری از مطالعات درخصوص سنجش و پذیرش در ایران در درون نظام سنجش و پذیرش متمرکز و اغلب معطوف به ابزار سنجش یعنی کنکور به‌عنوان یک فرایند در درون نظام سنجش و پذیرش، بوده است.<sup>۱</sup> نتایج حاکی از این است کنکور یک معضل برای جامعه ایران است و سلامت روانی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه را تحت شعاع قرار داده است. در این پژوهش‌ها سنجش و پذیرش به‌عنوان بخشی از یک کل بزرگ‌تر یعنی جامعه و بستری که در آن جاری است، دیده نشده تا نگاهی جامع‌نگر پدید آید. بنابراین، نبود نگاه فراگیر به مسئله سنجش و پذیرش موجب شده همه تلاش‌ها برای اصلاح این نظام ناکام بماند. بنابراین، لازمه یک نگاه فراگیر به مسائل سنجش و پذیرش، ضمن توجه و بررسی کنکور به عنوان ابزار محوری نظام سنجش و پذیرش، مورد توجه قرار گرفتن فرایندها و ساختار نظام سنجش و پذیرش و بستر و محیط اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه است.

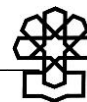
با عنایت به مراتب فوق، در این گزارش تلاش شده مهم‌ترین عواملی را که منجر شده است سنجش و پذیرش و ابزار محوری آن یعنی کنکور دچار چالش‌ها و مشکلاتی شود و از قِبل این مشکلات، آسیب‌هایی به جامعه و نظام آموزشی وارد آید، احصا شود. در ادامه و قبل از ورود به مباحث و مشکلات سنجش و پذیرش، تجربه کشور در سنجش و پذیرش دانشجو مرور خواهد شد.

### ۱. تاریخچه سنجش و پذیرش در ایران

#### ۱-۱. تاریخچه سنجش و پذیرش در ایران قبل از پیروزی انقلاب اسلامی

از سال ۱۳۱۷ عدم تناسب بین داوطلبان ورود به آموزش عالی و ظرفیت دانشگاه‌ها موجب شد ابتدا در دانشکده‌های گروه پزشکی، فنی و حقوق دانشگاه تهران اقدام به برگزاری آزمون ورودی نمایند. رفته رفته آزمون‌های ورودی در سایر دانشکده‌ها نیز برگزار شد. دیری نپایید که آزمون ورودی از سطح دانشکده‌ای به سطح دانشگاهی توسعه یافت و اولین آزمون ورودی دانشگاهی در سال ۱۳۳۷ در دانشگاه تهران برگزار شد. این تبدیل باعث تغییرات مهمی در آزمون شد که ازجمله این تغییرات استفاده از روش تستی و استفاده از کلید در سؤالات و تفکیک مواد امتحانی به اطلاعات عمومی و مواد امتحانی اختصاصی بود. در ابتدا، مؤسسه‌های خصوصی و افرادی که با شیوه تستی آشنا بودند وظیفه اجرای مسابقات را برعهده گرفتند.

۱. الف) رضا اسماعیلی، کنکور در ترازوی نقد و داوری دانش‌آموزان و دانشجویان؛ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی؛ ۱۳۸۲.  
ب) علی رجائی، نتایج نظرسنجی از معلمان ریاضی پیرامون پیشنهادهایی جهت رفع معضلات کنکور سراسر کشور، دانشگاه صنعتی اصفهان، ۱۳۸۱.  
ج) احمد یارمحمدیان و همکاران، بررسی و مقایسه تأثیر کنکور بر وضعیت روانی و شخصیتی راه‌یافتگان و راه‌نیافتگان به دانشگاه و خانواده‌های آنان، ۱۳۸۴.  
د) یداله مهر علیزاده، آسیب‌شناسی سیاست بومی‌گزینی، فصلنامه انجمن آموزش عالی ایران، ۱۳۹۱.



در سال ۱۳۴۱ نظارت بر آموزش عالی و هماهنگی امور دانشگاه‌ها به شورای مرکزی دانشگاه‌ها واگذار شد و براساس تصمیم شورا، انتخاب دانشجو در کلیه دانشگاه‌های دولتی باید از طریق یک آزمون انجام می‌گرفت. اجرای آزمون در آغاز کار در سال ۱۳۴۲ به‌عهده هیئت دوگانه نظارت و اجرایی مسابقات ورودی گذاشته شد و به این ترتیب نخستین آزمون سراسری در سال ۱۳۴۲ انجام شد. این آزمون شامل مواد عمومی از زبان فارسی، زبان خارجی و اطلاعات عمومی و نیز مواد اختصاصی هریک از رشته‌های سه‌گانه ادبی، ریاضی و طبیعی بود و با شیوه تستی انجام شد.

این شیوه تستی مورد انتقاد صاحب‌نظران و دست‌اندرکاران آموزش عالی قرار گرفت و شورای دانشگاه تهران با توجه به نتیجه نامطلوب مسابقه، در آن تجدیدنظر کرد و بار دیگر به‌طور مستقل به اجرای مسابقه ورودی دست زد. به این ترتیب از سال ۱۳۴۳ تا ۱۳۴۸ دانشگاه‌های دولتی و اغلب مؤسسات خصوصی آموزش عالی به تبعیت از دانشگاه تهران، شیوه تستی گزینش را رها کردند و طرح سؤال‌های تشریحی و تصحیح و محاسبه دستی را ترجیح دادند.

ساختار تشکیلاتی آموزش عالی کشور با تصویب قانون تأسیس وزارت علوم و آموزش عالی در سی‌ام بهمن‌ماه ۱۳۴۶ توسعه یافت. براساس ماده (۳۷) منشور انقلاب آموزشی مصوب نخستین کنفرانس ارزشیابی انقلاب آموزشی که در مردادماه ۱۳۴۷ در رامسر برگزار شد، مقرر شد وزارت علوم و آموزش عالی مطالعات لازم برای ایجاد سازمانی جهت رسیدگی و حل مسائل کنکور با هدف اصلاح مقررات ورود به دانشگاه‌ها طبق موازین ساده و عملی و بر پایه اصولی که بتواند حداکثر تضمین را از حیث صحت انتخاب دانشجو تأمین کند، انجام دهد. وزارت علوم و آموزش عالی از مهرماه ۱۳۴۷ عده‌ای از کارشناسان و متخصصان را برای ارائه پیشنهاد درخصوص برگزاری آزمون ورود به دانشگاه‌ها دعوت کرد. حاصل کار متخصصان، پیشنهاد تشکیل «مرکز آزمون‌شناسی» وابسته به شورای مرکزی دانشگاه‌ها و وزارت علوم بود که اساسنامه آن در همین سال به تصویب رسید.

به هر حال نخستین آزمون ورودی سراسری دوره‌های جدید در ۱۵ مردادماه ۱۳۴۸ به مدت ۴ روز در ۷ حوزه امتحانی برگزار شد. ۱۲ دانشگاه و مراکز آموزش عالی از جمله: دانشگاه‌های تهران، تبریز، مشهد، جندی‌شاپور و ... از این طریق ۸ هزار و ۳۲۵ نفر دانشجو برگزیدند. مجموع تعداد داوطلبان دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی دولتی در این سال ۴۷ هزار و ۷۷۳ نفر، تعداد داوطلبان زن ۱۷ هزار و ۵۰۰ نفر (حدود ۳۷ درصد) و تعداد مردها ۳۰ هزار و ۲۷۳ نفر بوده است. همچنین حدود ۵ هزار نفر داوطلب مؤسسات آموزش عالی غیردولتی بوده‌اند که تعداد آنها در سال ۱۳۴۸ سه مؤسسه بوده است. آزمون ورودی این مؤسسات به‌صورت جداگانه توسط مرکز آزمون‌شناسی انجام شد. این سال اولین سالی بود که سهمیه‌بندی برای رفع محرومیت‌ها و جبران نابرابری‌ها وارد پذیرش شد، به این ترتیب که دانشگاه‌های شهرستان ۵۰ درصد از دانشجویان خود را از بین داوطلبان محلی انتخاب می‌کردند (موضوعی که بعدها در قالب پذیرش منطقه‌ای (۲، ۱ و ۳) پیگیری شد).

نکته جالب توجه این بود که براساس طرح اجرا شده، مرکز آزمون‌شناسی تنها به ارزشیابی نتایج آزمون می‌پرداخت و دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی با توجه به مجموعه عوامل مورد توجه، خود داوطلبان شایسته را برمی‌گزیدند.

همچنین، در سال ۱۳۴۸ نمودار تشکیلاتی جدید «وزارت علوم و آموزش عالی» به‌تصویب سازمان امور اداری و استخدامی رسید و «مرکز آزمون‌شناسی» به‌یکی از واحدهای تابعه این وزارتخانه تبدیل شد. در سال ۱۳۵۰ با ایجاد «معاونت امور دانشجویی» در وزارت علوم و آموزش عالی مرکز آزمون‌شناسی در حوزه این معاونت قرار گرفت.<sup>۱</sup>

در سال تحصیلی ۱۳۴۹-۱۳۵۰، آزمون به‌صورت تستی و چندجوابی بود. داوطلبان ۱۰ رشته تحصیلی را از میان انتخاب‌های ممکن برمی‌گزیدند. در آزمون آن سال ۶۲ هزار نفر شرکت کرده بودند و ۸۹۹۰ نفر به دانشگاه راه یافتند.

در سال ۱۳۵۲ نیز ۱۳ دانشگاه در آزمون سراسری شرکت کردند، اما دانشگاه شیراز به‌طور جداگانه و مستقل به پذیرش دانشجو اقدام کرد. در این سال مجموعاً ۹۹۹۱ نفر به دانشگاه‌ها راه یافتند. تغییری که در نحوه آزمون در این سال به‌وجود آمد، آن بود که از داوطلبان آزمایش هوش و استعداد تحصیلی و برحسب نوع دیپلم، آزمایش اطلاعات عمومی در حدود برنامه دوره دوم متوسطه به‌عمل آمد.

در سال تحصیلی ۱۳۵۳-۱۳۵۴، تغییرات عمده‌ای در آزمون سراسری صورت گرفت. رشته‌های دانشگاهی با توجه به تجانس آنها به ۵ گروه پزشکی و طبیعی، مهندسی و علوم ریاضی، ادبیات و علوم انسانی، اقتصاد و علوم اجتماعی و زبان‌های خارجی تقسیم شد.

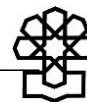
در اجرای مصوبات هفتمین کنفرانس ارزشیابی انقلاب آموزشی طرح تأسیس «سازمان سنجش آموزش کشور» در یکصدویکمین نشست شورای گسترش آموزش عالی در تاریخ ۱۳۵۴/۰۳/۰۶ کشور به‌تصویب رسید و مقرر شد این سازمان بر اساس قانون هیئت‌های امنای مؤسسات عالی علمی دولتی و قانون اصلاح پاره‌ای از مواد قانون مذکور اداره شود. پس از آن اولین تشکیلات سازمان سنجش آموزش کشور با سه حوزه معاونت فنی پژوهشی، اجرایی و نظارت بر امور دانشگاه‌ها به‌تصویب هیئت امنای سازمان امور اداری و استخدامی رسید. معاونت نظارت بر امور دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی پیش از آن یکی از معاونت‌های وزارتخانه علوم و آموزش عالی بوده است.

در سال ۱۳۵۴-۱۳۵۵، پذیرش دانشجو به دو عامل بستگی داشت:

الف) نمرات امتحانات کتبی ششم متوسطه،

ب) نتایج نمرات آزمون همگانی.

۱. شهرام هاشم‌نیا، سازمان سنجش آموزش کشور، بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۳۸۳.



در این نوع پذیرش، نمره‌های خام آزمون‌های استعداد، زبان فارسی، شناخت ایران، فرهنگ ملی و زبان خارجی منظور می‌شد و مجموع کل آن نمرات، رتبه داوطلب را تعیین می‌کرد. در سال بعد، ضوابط تغییری نکرد و معدل کتبی ششم متوسطه ضریب ۵ و آزمون همگانی دارای ضریب ۲ بود. ضمن اینکه، داوطلبان همچنان مجاز به انتخاب ۱۰ رشته تحصیلی بودند. در سال ۱۳۵۷-۱۳۵۸ یعنی آخرین سال قبل از انقلاب اسلامی، با تشکیل کمیته‌ای مرکب از دانشگاهیان و صاحب‌نظران مقرر شد تا تغییراتی در نحوه انتخاب دانشجو با روش یکسان صورت گیرد که پیشنهادها این کمیته به تصویب رؤسای دانشگاه‌ها و وزیر آموزش و پرورش و وزارت علوم رسید. براساس این اصلاحات می‌باید:

الف) کلیه مراحل سنجش دانشجو به‌عهده سازمان سنجش گذاشته شود و فهرست پذیرفته‌شدگان توسط این سازمان به دانشگاه یا مؤسسه آموزشی ارسال شود.  
ب) انتخاب دانشجو با استفاده از کارنامه امتحانات ورودی و با رعایت ضوابط خاص به‌عهده دانشگاه ذی‌ربط گذاشته شود (شجاعی، ۱۳۸۴).

موارد فوق به این مفهوم جدایی سنجش از پذیرش است. یعنی برگزاری آزمون و گزارش رتبه، نمره و تراز برعهده سازمان سنجش باشد و دانشگاه‌ها با استفاده از این کارنامه و سایر ضوابط اقدام به پذیرش دانشجو کنند.

## ۲-۱. تاریخچه سنجش و پذیرش در ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی

در سال ۱۳۵۸ کنکور سراسری همانند گذشته برگزار شد. نخستین آزمون سراسری پس از انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۸ به دو روش متمرکز و نیمه‌متمرکز انجام شد و اسامی پذیرفته‌شدگان از طرف سازمان سنجش اعلام شد. در این سال هر داوطلب حق داشت ده رشته را انتخاب کند و شرط سنی برای ورود به دانشگاه حذف شد.

در سال‌های ۱۳۵۹ و ۱۳۶۰ به‌دلیل انقلاب فرهنگی دانشگاه‌های سراسر کشور تعطیل شدند و هیچ آزمونی برگزار نشد. همچنین، در سال ۱۳۶۰ سازمان سنجش آموزش کشور منحل شد و تحت عنوان اداره کل گزینش دانشجو در وزارت فرهنگ و آموزش عالی به‌فعالیت خود ادامه داد. در سال ۱۳۶۱ آزمون سراسری فقط برای رشته‌های پزشکی و فنی مهندسی، کشاورزی، الهیات و معارف اسلامی برگزار شد. در همین سال بود که داوطلبان کنکور را به سه دسته داوطلبان وابسته به نهادهای انقلاب اسلامی، داوطلبان آزاد و داوطلبان منطقه‌ای تقسیم کردند و برای هر دسته سهمیه جداگانه‌ای به میزان یک‌سوم کل ظرفیت دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی اختصاص دادند.

آزمون سراسری بعدی در سال ۱۳۶۳ با تغییراتی از جمله تبدیل سهمیه مناطق از دو سهمیه به ۵ سهمیه، برگزار شد. در برخی رشته‌ها مانند دریانوردی، تربیت بدنی، تئاتر و سینما علاوه بر امتحان کتبی، آزمون شفاهی و عملی نیز انجام شد. همچنین، در سال ۱۳۶۳ سهمیه نهادهای انقلاب فرهنگی برای

ورود به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی - که در واقع اولین سهمیه ایثارگری در پذیرش آموزش عالی کشور بود - توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب رسید.

یک رویداد مهم در پذیرش دانشجو در سال ۱۳۶۷، ورود مجلس شورای اسلامی به بحث پذیرش دانشجو در کشور برای اولین بار با تصویب «قانون ایجاد تسهیلات برای ورود رزمندگان و جهادگران داوطلب بسیجی به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی» بود. براساس این قانون ۴۰ درصد سهمیه پذیرش در تمامی مقاطع به «رزمندگان و جهادگران داوطلب بسیجی که حداقل ۶ ماه متوالی و یا متناوب در مناطق عملیاتی در زمان جنگ داوطلبانه خدمت کرده‌اند،» اختصاص یافت. پس از آن روند اختصاص سهمیه‌های مختلف رو به فزونی گذاشت و انواع سهمیه‌ها ایجاد و یا حذف شدند.<sup>۱</sup>

در سال ۱۳۶۸ تعداد سهمیه‌های مناطق از پنج سهمیه به سه سهمیه تقلیل پیدا کرد که تاکنون (سال ۱۳۹۹) ادامه دارد. در سال تحصیلی ۱۳۷۲-۱۳۷۱ امکان گزینش دانشجو در بیشتر رشته‌ها به صورت بومی در استان یا ناحیه و قطب آموزشی انجام شد.

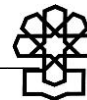
در سال ۱۳۷۵، فارغ‌التحصیلان نظام جدید آموزش متوسطه نیز به داوطلبان کنکور اضافه شدند. بنابراین آزمون مرحله دوم در هریک از گروه‌های آزمایشی، منحصراً از دروس اختصاصی و در حدود اطلاعات علمی دوره چهارساله دیپلم برای داوطلبان نظام قدیم آموزش متوسطه و در حدود اطلاعات علمی دوره سه ساله دبیرستان و دوره یک‌ساله پیش‌دانشگاهی برای داوطلبان نظام جدید آموزش متوسطه تعیین شد. در سال ۱۳۷۶، آزمون سراسری برای داوطلبان نظام جدید در یک مرحله و برای داوطلبان نظام قدیم به همان شیوه سابق و در دو مرحله به مورد اجرا گذارده شد.<sup>۲</sup> سال ۱۳۷۷ آخرین سال برگزاری کنکور نظام قدیم بود و پس از آن کنکور برای همه داوطلبان در یک مرحله برگزار شد.

از دیگر رویدادهای مهم در سنجش و پذیرش دانشجو پس از انقلاب اسلامی در سال ۱۳۸۶ ورود مجلس شورای اسلامی به سنجش و پذیرش دانشجو از حیث ورود به شیوه‌ها و روش سنجش بوده است. نتیجه این ورود تصویب «قانون پذیرش دانشجو در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور» با هدف حذف کنکور بود که براساس ماده (۲) این قانون: «پذیرش دانشجو در مقطع کاردانی (پیوسته و ناپیوسته)، کارشناسی، کارشناسی‌ارشد پیوسته، دکترای حرفه‌ای و دکترای پیوسته براساس سوابق<sup>۳</sup> تحصیلی داوطلب و آزمون‌های سراسری خواهد بود. تأثیر سوابق تحصیلی در هر سال نسبت به سال قبل افزایش می‌یابد به نحوی که حداکثر تا پایان سال اول برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران آزمون‌های سراسری ورودی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی به‌طور کامل حذف

۱. محمدرضا شجاعی، بررسی نظام سنجش و پذیرش در کشور و ارائه الگوی پیشنهادی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۴.

۲. همان.

۳. طبق ماده (۱) این قانون منظور از سوابق تحصیلی نتایج امتحان نهایی کشوری دروس دوره متوسطه و پیش‌دانشگاهی داوطلب بوده است.



می‌شد. از ویژگی‌های این قانون این بود که بنابر تبصره «۳» ماده (۴) دانشگاه‌ها می‌توانستند دروس و میزان تأثیر آنها در پذیرش دانشجو در هر رشته را پیشنهاد کنند.

با توجه به عدم اجرای «قانون پذیرش دانشجو در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور» و فراهم نشدن سوابق تحصیلی کامل توسط وزارت آموزش و پرورش، مجلس شورای اسلامی بار دیگر در سال ۱۳۹۲ قانونی دیگری را با هدف حذف کنکور با عنوان «قانون سنجش و پذیرش دانشجو در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور» را از تصویب گذراند. براساس ماده (۵) این قانون پذیرش دانشجو در دانشگاه‌ها به روش «ظرفیت رشته - محل و تقاضای داوطلبان براساس «سابقه تحصیلی» یا «سابقه تحصیلی و آزمون (عمومی یا عمومی - اختصاصی)» صورت می‌گیرد. «همچنین، طبق تبصره «۴» همین ماده تأثیر سابقه تحصیلی<sup>۱</sup> سالیانه به‌صورت تدریجی و صعودی است به‌گونه‌ای که پس از ۵ سال حداقل ۸۵ درصد ظرفیت پذیرش دانشجو در کل کشور بر مبنای سابقه تحصیلی باشد. با اجرای قانون فوق در سال ۱۳۹۳ و اعمال تأثیر قطعی سوابق تحصیلی به میزان ۲۵ درصد در پذیرش، تعدادی از داوطلبان نسبت به اعمال سوابق تحصیلی معترض شدند و به دیوان عدالت اداری شکایت بردند. زیرا تا آن زمان وزارت آموزش و پرورش سابقه تحصیلی تعریف شده در ماده (۱) قانون فوق را ایجاد نکرده بود و اجرای قانون را منوط به وجود سابقه تحصیلی کامل می‌دانستند؛ طبق رأی هیئت عمومی دیوان در سال ۱۳۹۴، نمرات دروس سه سال آخر متوسطه زمانی می‌تواند مؤثر باشد که امتحانات ۳ سال متوسطه به‌صورت نهایی برگزار شده باشد و مصوبه شورای سنجش و پذیرش دانشجو مبنی بر تأثیر قطعی سوابق تحصیلی ابطال شد. بنابراین مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۹۵ برای حل ایراد حقوقی دیوان، اقدام به اصلاح قانون فوق نمود و «قانون اصلاح قانون سنجش و پذیرش دانشجو در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور» را تصویب کرد. براساس این قانون سوابق تحصیلی نمرات تعدادی از دروس متوسطه دوم و پیش‌دانشگاهی است که امتحانات آن مطابق اصول سنجش و اندازه‌گیری توسط وزارت آموزش و پرورش به‌صورت سراسری، نهایی و استاندارد مطابق مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش برگزار شده باشد. مطابق این قانون نمرات سابقه تحصیلی برای سال ۱۳۹۵ به‌صورت مثبت اعمال شد. در سال‌های بعد نیز تأثیر سوابق تحصیلی به‌صورت مثبت اعمال شد و هیچ‌گاه این تأثیر به‌صورت قطعی اعمال نشده است.<sup>۲</sup>

در آزمون سراسری سال ۱۳۹۸ به‌طور رسمی پذیرش داوطلبان به دو شکل «با آزمون» و «صرفاً با سابقه تحصیلی» انجام شد. در این سال ۵۶ درصد پذیرفته‌شدگان به روش «صرفاً با سابقه تحصیلی» پذیرش شدند.<sup>۳</sup> در روش با آزمون نیز تأثیر سوابق تحصیلی به‌صورت ۳۰ درصد مثبت بود.

۱. منظور از سابقه تحصیلی نیز طبق ماده (۱) این قانون نمرات دروس سه سال آخر دوره متوسطه است که امتحانات آن مطابق اصول سنجش و اندازه‌گیری توسط وزارت آموزش و پرورش به‌صورت سراسری، نهایی و استاندارد مطابق مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش برگزار شده باشد.

۲. تأثیر مثبت یعنی اینکه تأثیر نمرات سابقه تحصیلی در رتبه و قبولی يك داوطلب فقط زمانی است که بهتر از تراز و نتیجه کنکور داوطلب باشد و موجب ارتقای تراز و رتبه داوطلب شود. در غیر این‌صورت ملاک همان نتایج کنکور داوطلب است.

۳. این شیوه پذیرش اغلب برای دانشگاه‌های پیام‌نور و غیرانتفاعی، دوره‌های نوبت دوم و برخی رشته‌های کم‌طرفدار در دوره‌های ورزش بوده است.

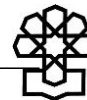
همان‌طور که مشاهده می‌شود سنجش و پذیرش در کشور که آن را با مساحمه نظام سنجش و پذیرش می‌نامیم، فراز و فرودهای متعددی را از سرگذرانده است و دائماً در حال تحول و محل مناقشه‌های فراوان بوده است. تغییر متعدد قوانین و مقررات در سنجش و پذیرش دانشجو و کشمکش‌های مختلف در این حوزه نشان‌دهنده مشکلات و چالش‌هایی است که دامن این بخش از نظام آموزش کشور را گرفته است.

### ۳-۱. جمع‌بندی تاریخچه سنجش و پذیرش قبل از انقلاب اسلامی

۱. مراکز آموزش عالی غیردولتی مانند مراکز دولتی دارای آزمون ورودی بودند که این آزمون جداگانه و توسط «مرکز آزمون‌شناسی» اجرا می‌شده است.
۲. در آزمون سراسری سال ۱۳۴۸ یک سهمیه وجود داشته است. در این سهمیه ۵۰ درصد از ظرفیت دانشگاه‌های هر شهرستان به داوطلبان بومی همان شهرستان تعلق می‌گرفت.
۳. علاوه بر آزمون، ملاک‌های دیگری مانند هوش و استعداد تحصیلی و یا معدل دوره مدرسه جزء ملاک‌های اصلی سنجش و پذیرش دانشجو بوده‌اند.
۴. دانشگاه‌ها مسئول پذیرش و انتخاب دانشجویان خود بودند و مراکز سنجش مانند مرکز آزمون‌شناسی مسئول تهیه کارنامه و نمرات آزمون بودند.
۵. در اغلب سال‌ها آزمون به صورت تستی برگزار می‌شده است، هر چند برخی آزمون‌ها سؤالات تشریحی نیز داشتند.
۶. با تشکیل سازمان سنجش آموزش کشور سنجش و پذیرش رفته‌رفته متمرکز شد.
۷. از همان ابتدا آزمون‌های تستی مورد مناقشه و اعتراض دانشگاه‌ها بوده است.

### ۴-۱. جمع‌بندی تاریخچه سنجش و پذیرش پس از انقلاب اسلامی

۱. پس از پیروزی انقلاب اسلامی نهاد قانونگذاری بارها به بحث سنجش و پذیرش ورود کرده است و با تصویب قوانین متعدد بر تشتت این حوزه افزوده است.
۲. ورود مجلس شورای اسلامی به سنجش و پذیرش با هدف حذف کنکور و انتخاب براساس سابقه تحصیلی بوده است. تلاش‌های مجلس شورای اسلامی برای حذف کنکور با وجود تصویب سه قانون در این زمینه، تاکنون ناکام بوده است.
۳. ایجاد سهمیه‌های متنوع و تقسیم کردن کشور به مناطق مختلف آموزشی و ایجاد روش بومی‌گزینی از جمله تحولات عمده پذیرش دانشجو پس از انقلاب اسلامی بوده‌اند.
۴. ورود دیوان عدالت اداری به مبحث سنجش و پذیرش و صدور رأی در این زمینه جهت احقاق حقوق داوطلبان از جمله دیگر متغیرهای مؤثر بر سیاست‌های سنجش و پذیرش پس از پیروزی انقلاب بوده است.



۵. سنجش و پذیرش در کشور متأثر از تحولات سیستم آموزشی دوره متوسطه بوده است. برای مثال تغییر سیستم آموزشی از سالی واحدی به ترمی واحدی و غیره از عوامل سردرگمی برخی داوطلبان بوده است.

۶. وجود نهادهای مختلف سیاستگذار در سنجش و پذیرش مانند شورای عالی انقلاب فرهنگی، مجلس شورای اسلامی و وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و اخیراً نیز شورای سنجش و پذیرش از عوامل تشتت در سیاستگذاری و تصمیم‌گیری در این حوزه بوده است.

۷. در تمام سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی آزمون‌ها به صورت تستی برگزار می‌شده است. پدیده سنجش و پذیرش در کشور ایران از بدو تولد، هم جامعه، متقاضیان و متولیان خود را تحت تأثیر قرار داده است و هم متأثر از همه اینها بوده است. بنابراین در ادامه این گزارش اهم عوامل بیرونی و درونی پدیدآورنده مشکلات و چالش‌های مبتلا به سنجش و پذیرش در کشور، بررسی خواهد شد.

## ۲. عوامل و مسائل مؤثر بر سنجش و پذیرش دانشجو در ایران

عوامل مشکل‌ساز در سنجش و پذیرش ایران با توجه به منشأ ایجاد، می‌تواند به دو دسته کلی تقسیم‌بندی شوند. دسته اول عوامل و مسائلی است که خارج از نظام سنجش و پذیرش شکل می‌گیرد و غیرمستقیم ولی با شدت بالا سنجش و پذیرش دانشجو در کشور و جامعه را متأثر می‌سازند. برای مثال تشتت در سیاستگذاری و تصمیم‌گیری، نظام حقوق و دستمزد، نظام اشتغال و استخدام، نگرش فرهنگ و جامعه ایرانی به ورود به دانشگاه و مدرک دانشگاهی، ازجمله مسائل و عواملی هستند که سرچشمه و یا تشدیدکننده برخی مشکلات و چالش‌ها در نظام سنجش و پذیرش کشور هستند.

دسته دوم عوامل مشکل‌زا در سنجش و پذیرش از درون نظام سنجش و پذیرش کشور سرچشمه گرفته‌اند و جزئی از آن هستند. این مشکلات از ابزار سنجش (کنکور)، ساختار نظام سنجش و پذیرش و روش پذیرش نشئت گرفته‌اند.

## ۳. عوامل بیرون از نظام سنجش و پذیرش و تأثیرگذار بر سنجش و پذیرش در ایران

همه عوامل و مسائل خارج از نظام سنجش و پذیرش دانشجو، بجز سیاستگذاری سنجش و پذیرش باعث القای تقاضای اجتماعی بیش از حد برای آموزش عالی و یا سوگیری تقاضای اجتماعی به سمت رشته‌های خاص می‌شود. همین تقاضای بیش از حد و رقابت بالا در کنکور، منشأ اصلی بسیاری از آسیب‌ها مانند آسیب‌های روانی، اجتماعی و تحصیلی و غیره است که گریبانگیر داوطلبان و خانواده‌های آنان می‌شود. در ادامه به هر کدام از این عوامل به تفصیل بیشتری پرداخته خواهد شد.

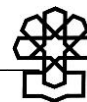
### ۳-۱. تشتت در سیاستگذاری و تصمیم‌گیری در حوزه سنجش و پذیرش

در سنجش و پذیرش دانشجو سه نهاد سیاستگذار و تصمیم‌گیر؛ شورای عالی انقلاب فرهنگی، مجلس شورای اسلامی و شورای سنجش و پذیرش دانشجو اقدام به سیاستگذاری یا تصمیم‌گیری در این حوزه می‌کنند. این درحالی است که در درون نظام سنجش و پذیرش نیز شوراهای و نهادهایی تخصصی هستند که در موارد مختلف تصمیم‌گیر و سیاستگذار بوده‌اند. همچنین، در عرصه اجرا چهار نهاد شامل سازمان سنجش آموزش کشور، مرکز سنجش علوم پزشکی، مرکز نظارت و ارزیابی آموزش و پرورش و مرکز آزمون دانشگاه آزاد اسلامی وجود دارد. ورود نهادهای فرابخشی و بخشی در سنجش و پذیرش موجب تورم و تکرار مقررات و قوانین این بخش و گاه سردرگمی داوطلبان شده است. همچنین، مداخله نهادهای غیرتخصصی مانند شورای عالی انقلاب فرهنگی موجب اتخاذ تصمیمات بدون پشتوانه کارشناسی و پژوهشی را فراهم می‌آورد که علاوه بر آزدن داوطلبان ورود به دانشگاه، در برخی موارد عدالت آموزشی و در برخی موارد دیگر کیفیت آموزش عالی را به مخاطره انداخته است.

### ۳-۲. نظام حقوق و دستمزد و بیکاری دانش‌آموختگان دانشگاهی در بسیاری از رشته‌ها

در دهه‌های ۱۳۶۰ و ۱۳۷۰ شمسی به علت محدودیت ظرفیت پذیرش و کمتر بودن تعداد دانشگاه‌های کشور، در هر بار پذیرش هیچ ظرفیت خالی برای دانشگاه‌ها باقی نمی‌ماند و بسیاری از داوطلبان از ورود به دانشگاه باز می‌ماندند. اما در دهه ۱۳۹۰ ظرفیت بسیاری از دانشگاه‌های کشور از جمله دانشگاه‌های وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری خالی می‌ماند. برای مثال ظرفیت پذیرش آموزش عالی کشور برای سال ۱۳۹۸ بدون دانشگاه آزاد حدود ۷۶۰ هزار نفر و تعداد پذیرفته‌شدگان حدود ۴۳۹ هزار نفر بوده است. این یعنی ۴۲ درصد از ظرفیت دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور در سال ۱۳۹۸ خالی مانده است. در سال ۱۳۹۷ با وجود این ظرفیت ۷۶۰ هزار نفری، بعد از اعلام دو تکمیل ظرفیت حدود ۵۰۰ هزار نفر در دانشگاه‌ها ثبت‌نام کردند. سؤال این است با این همه ظرفیت خالی، چرا رقابت شدید در کنکور با بسیاری از تبعاتی که در گذشته وجود داشته است به قوت خود باقی مانده است؟ درواقع باید گفت تقاضای اجتماعی آموزش عالی در دهه ۱۳۹۰ تحولات اساسی را پشت سر گذاشته است و نیروی محرکه آن مکانیسم بازار و شرایط اقتصادی جامعه است که تقاضای اجتماعی برای رشته‌های خاص را به شدت افزایش داده است.

عوامل خارج از نظام سنجش و پذیرش مانند نظام کار و اشتغال، نظام حقوق و دستمزد و موارد دیگری باعث شده است علی‌رغم گسترش قابل توجه رشته‌ها و ظرفیت‌های آموزش عالی کشور، رقابت شدید در کنکور و تقاضای بسیار بالای آموزش عالی به قوت خود باقی بماند. هرچند قبل از دهه ۱۳۹۰ همین شرایط و رقابت شدید به صورت عام وجود داشته است؛ اما در دهه ۱۳۹۰ این رقابت و تقاضا برای آموزش عالی شکل دیگری به خود گرفته است. بیکاری بسیاری از فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در بسیاری



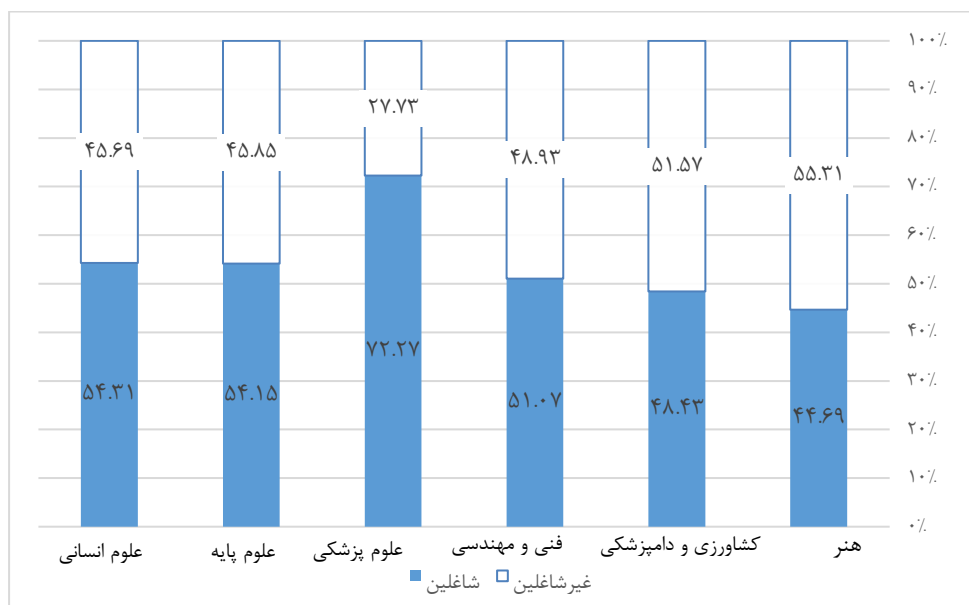
از رشته‌ها از جمله رشته‌های علوم پایه، غالب رشته‌های فنی و مهندسی - که از قضا ستون رشد علمی کشور را تشکیل می‌دهند - و بسیاری از رشته‌های علوم انسانی موجب شده است اقبال داوطلبان ورود به دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی به این رشته‌ها بسیار کاهش پیدا کند. این مطلب از یک سو و شکاف حقوق و درآمد رشته‌های علوم پزشکی از جمله پزشکی، داروسازی، دندانپزشکی و فیزیوتراپی با سایر رشته‌ها باعث شده است اکثریت داوطلبان به سمت رشته‌های گروه علوم پزشکی متمایل شوند، به عبارتی دیگر تقاضای آموزش عالی به سمت این رشته‌ها سوق داده شده است و هدایت تحصیلی دانش‌آموزان را تحت تأثیر قرار داده است. سهم حدود ۶۰ درصدی داوطلبان گروه امتحانی علوم تجربی از کل داوطلبان آزمون سراسری شهادی بر این مدعاست.

از سوی دیگر با توجه به وضعیت اشتغال بالاتر و میزان درآمد رشته‌ها و رشته‌های شغلی متفاوت، تقاضای بالای آموزش عالی برای رشته‌های علوم پزشکی به خصوص سه رشته پرطرفدار پزشکی، دندانپزشکی و داروسازی با وجود ظرفیت محدود این رشته‌ها باعث ایجاد رقابت شدید در میان داوطلبان این رشته‌ها شده است. آمار اولین «رصد اشتغال فارغ‌التحصیلان آموزش عالی ایران» که اختصاص به وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان سال تحصیلی ۱۳۹۳-۱۳۹۲ دارد نشان می‌دهد حدود ۴۷ درصد این فارغ‌التحصیلان بیکار هستند. بیشترین بیکاری مربوط به رشته‌های هنر و کشاورزی (شامل دامپزشکی هم می‌شود)، با میزان بیکاری به ترتیب ۵۵/۳۱ درصد و ۵۱/۵۷ درصد بوده است. پس از آن رشته‌های فنی و مهندسی (۴۸/۹۳ درصد بیکاری)، علوم پایه (۴۵/۸۵ درصد بیکاری) و علوم انسانی (۴۵/۶۹ درصد بیکاری) و کمترین میزان بیکاری مربوط به رشته‌های علوم پزشکی و ۲۷/۷۳ درصد بوده است (نمودار ۱). همچنین، در حالی حداقل حقوق سال ۱۳۹۹ برای کارگران ۱ میلیون و ۸۳۵ هزار تومان است، همچنین، حق الزحمه ساعتی یک نفر دکترای تخصصی با سابقه بیمه‌ای ۲ تا ۶ سال در دستگاه‌های دولتی بین ۲۰ تا ۳۰ هزار تومان برآورد می‌شود که برای ۱۵۰ ساعت کار ماهیانه پس از کسر مالیات حداکثر به ۴ میلیون و ۵۰ هزار تومان می‌رسد. با این حال، برآوردها حاکی از آن است که میانگین درآمد یک پزشک متخصص در بیمارستان‌های خصوصی بالغ بر ۶۰ میلیون تومان است.<sup>۱</sup> با این حال، نتایج یک تحقیق نشان می‌دهد میانگین درآمد پزشکان متخصص در این بیمارستان‌ها بین ۲/۴ تا ۱۷ برابر سرانه تولید ناخالص داخلی و درخصوص پرستاران تنها ۰/۹۵ بوده است.<sup>۲</sup> هر چند این ارقام احتمالاً بدون محاسبه کارانه و سایر مزایا گزارش شده است ولی بر همین مبنا، درآمد پزشکان بیمارستان‌های دولتی در ایران برای سال ۱۳۹۸ بین ۱۴ تا ۹۵ میلیون تومان برآورد می‌شود.

۱. اطلاعات قابل اعتماد و مستندی از دریافتی کادر پزشکی در ایران در دسترس نیست و نمی‌توان اظهار نظر دقیقی داشت.  
2. Alireza Mazdaki, 2018.

نتایج برخی پژوهش‌های علمی درباره عوامل مؤثر بر تقاضای آموزش عالی در چهار بعد کلی فردی و خانوادگی، دانشگاهی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی؛ نشان می‌دهد عوامل اقتصادی بیشترین اهمیت و عوامل فرهنگی و اجتماعی کمترین اهمیت در این خصوص را دارا می‌باشند<sup>۱</sup> که مؤید موارد فوق است.

نمودار ۱. نسبت اشتغال دانش‌آموختگان سال تحصیلی ۱۳۹۲-۱۳۹۳ به تفکیک گروه تحصیلی

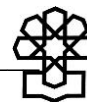


علاوه بر موارد فوق خانواده‌ها با هدف عقب نماندن فرزندان‌شان از خیل عظیم داوطلبان به کلاس‌های خصوصی، آموزشگاه‌های متنوع و منابع آموزشی و کمک آموزشی روی می‌آورند که علاوه بر اینکه موجب کم اهمیت جلوه دادن مسائل و نیازهای پرورشی و تربیتی فرزندان و مهارت‌های زندگی از یک سو و ناهمگونی هدایت تحصیلی دانش‌آموزان و به حاشیه رفتن آموزه‌ها و آموزش‌های رسمی از سوی دیگر می‌شود؛ موجب ایجاد فشارهای مالی و اقتصادی بر پاره‌ای از خانوارها و ایجاد شکاف طبقاتی و نارضایتی برای پاره‌ای دیگر می‌شود.

### ۳-۳. نظام استخدام و مدرک‌گرایی

داشتن مدرک دانشگاهی در کشور یکی از عوامل مهم در استخدام افراد و نیز ترفیعات و حتی تعیین میزان دستمزد و مزایا در کشور است. داشتن مدرک دانشگاهی تا جایی اهمیت پیدا کرده است که در ماده (۴۲) قانون مدیریت خدمات کشوری از شرایط استخدام در دستگاه‌های اجرایی داشتن مدرک تحصیلی دانشگاهی است. جایگاه امروز مدرک براساس قوانین و مقررات موجود تا جایی است که علاوه بر استخدام افراد ارتقای شغلی آنها نیز منوط به داشتن مدارک عالیه دانشگاهی است. پس مدرک برای شاغلان دولتی که به دنبال ترفیع و افزایش

۱. محمدرضا کرمی و همکاران، شناسایی و ارزیابی عوامل مؤثر بر تقاضای اجتماعی آموزش عالی، نامه آموزش عالی دوره جدید، ۱۳۹۶.



حقوق و مزایا هستند، بسیار پراهمیت است. بنابراین کسب و ارتقای مدرک یکی از عوامل تشکیل دهنده تقاضای اجتماعی آموزش عالی است. این موضوع در کنار کسب شأن و جایگاه اجتماعی از طریق داشتن مدرک یکی از عوامل مؤثر بر نظام سنجش و پذیرش کشور شده است.

#### ۴-۳. پایگاه اجتماعی و فرهنگ جامعه

یکی از ارکان اساسی توسعه و پیشرفت هر جامعه‌ای، موفقیت در تحصیل علم و آموزش در زمینه‌های تخصصی گوناگون و ایجاد فرصت‌های برابر برای همه افراد جامعه به این منابع است. مدارج آموزش عالی هم برای خانواده‌ها از دهک‌های پایین جامع و هم از دهک‌های بالای جامعه یک ارزش محسوب می‌شود. در کشور ایران و بسیاری از کشورهای دنیا داشتن تحصیلات دانشگاهی مترادف با افزایش منزلت اجتماعی است. نقش تحصیلات دانشگاهی در ارتقای جایگاه اجتماعی، از فضای عمومی جامعه ایران قابل درک است. قدرت این مؤلفه تا حدی است که بسیاری افراد که علاقه و نیازی به تحصیلات دانشگاهی نداشته‌اند صرفاً برای افزایش منزلت اجتماعی خود متقاضی ورود به دانشگاه شده‌اند.

علاوه بر اینها، فرهنگ جامعه ایرانی به گونه‌ای است که والدین نقش مهمی در تصمیم‌گیری‌های فرزندان خود حتی بعد از سنین بلوغ ایفا می‌کنند. والدین دائماً نگران آینده شغلی فرزندان خود هستند و چون تضمین شغلی فرزندان خود را به غلط یا صحیح، از رهگذر مدرک و رشته دانشگاهی می‌پندارند؛ یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در افزایش تقاضای ورود به آموزش عالی هستند. والدین از کودکی با طرح انتظارات خود از فرزندان، آنها را به سوی اخذ مدارج بالاتر و رشته‌های تحصیلی خاص سوق می‌دهند و یکی از عوامل فشار به‌ویژه از نظر روانی بر جوانان برای ورود به نظام آموزش عالی هستند. به‌علاوه وضعیت فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی خانوارها به‌صورت طبیعی و خود به خودی به فرزندان منتقل می‌شود. بدین معنا که موقعیت شغلی و تحصیلی، نوع کسب‌وکار و درآمد، سبک زندگی اعضای خانوار خود می‌تواند در دستیابی و موفقیت و گرایش فرزندان به‌سوی انتخاب آینده مؤثر باشد.

#### ۵-۳. تبلیغات آموزشگاه‌های آزاد متولی کلاس‌های کنکور و انتشارات کنکوری

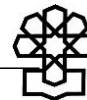
یکی از عواملی که از یک طرف موجب ایجاد فشار روانی بر داوطلبان کنکور سراسری و خانواده‌های و سردرگمی آنان می‌شود، از طرفی دیگر نیاز به‌حضور در کلاس‌های کنکور و استفاده از کتاب‌های تست‌زنی را به جامعه القا می‌کند؛ تبلیغات بی‌وقفه و پرآب و تاب آموزشگاه‌های آزاد متولی کلاس‌های کنکور و انتشارات کنکوری در صدا و سیما و سایر رسانه‌هاست. با این شرایط توجه دانش‌آموزان و اولیای آنان به‌جای کتاب‌های درسی و کلاس مدرسه معطوف به کتاب‌های مخصوص تست‌زنی و کلاس‌های کنکوری می‌شود که از این رهگذر ضمن معطل ماندن برنامه‌های تربیتی مدرسه، فشارهای اقتصادی و بعضاً روانی نیز بر مردم وارد می‌شود.

### ۳-۶. آشفته‌گی بازار کار، دشواری کسب‌وکار و ضعف فرهنگ کار و کارآفرینی

از مهم‌ترین دلایل تأثیرگذار بر سنجش و پذیرش دانشجو از رهگذر افزایش تقاضای اجتماعی آموزش‌عالی و تشدید رقابت در این عرصه، نامناسب بودن فضای کسب‌وکار و بیگانه بودن جامعه و جوانان با مقوله کار و کارآفرینی است. طبق آمار بانک جهانی از شاخص سهولت محیط کسب‌وکار در سال ۲۰۱۹؛ کشور ایران رتبه کلی ۱۲۸ را از میان ۱۹۰ کشور منتخب کسب کرده است. به‌طور خاص ایران از نظر زیرشاخص‌های شروع کسب‌وکار، دریافت مجوز ساخت، دریافت برق، ثبت مالکیت، دریافت اعتبار، حمایت از سرمایه‌گذاران خرد، پرداخت مالیات، تجارت فرامرزی، اجرای قراردادهای حل‌وفصل ورشکستگی به رتیب رتبه‌های ۱۷۳، ۸۶، ۱۰۸، ۹۰، ۹۹، ۱۷۳، ۱۴۹، ۱۲۱، ۸۹ و ۱۳۱ را به‌دست آورده است.<sup>۱</sup> ترس از بیکاری، کاهش ارزش کار و کارآفرینی و فقدان نظام بیمه‌ای و رفاه اجتماعی برای برخی مشاغل و خدمات از یک سو و ارزشمند شدن کارمندی و اشتغال دولتی از سوی دیگر موجب گردیده خانواده‌ها و فرزندان، بسیاری از مشاغل از جمله مشاغل سنتی مانند کشاورزی و دامپروری و یا صنایع دستی را رها کرده و در جستجوی مشاغل دولتی از رهگذر دانشگاه باشند. برای مثال در پنجمین آزمون استخدامی دستگاه‌های اجرایی کشور در سال ۱۳۹۷ تعداد ۴۲۷ هزار و ۶۹۶ داوطلب حدود ۶۳ درصد زن و مابقی مرد بودند و از میان بالغ بر ۱۸ هزار نفر یعنی حدود ۴ درصد به استخدام دستگاه‌های اجرایی درآمدند. همچنین، در سال ۱۳۹۸ در هفتمین آزمون استخدامی دستگاه‌های اجرایی کشور ۵۲۱ هزار و ۹۷۳ واجد شرایط شرکت کردند - که از این تعداد حدود ۶۱ درصد زن و ۳۹ درصد داوطلب مرد بودند - که نشان‌دهنده تمایل بالای جوانان و تحصیل‌کرده‌ها برای استخدام در دولت است.

همچنین، تغییر سبک زندگی و الگوی مصرف به‌سوی میل به راحت‌طلبی و کم‌کاری، ترویج فرهنگ مصرف‌گرایی و رفاه‌طلبی و تجمل‌گرایی، ارزشگذاری اجتماعی برخی از مشاغل طی سالیان متمادی به نحوی بوده است که بسیاری از افراد و اشخاص از راه‌اندازی کسب‌وکارها و خدمات مبتنی بر خویش‌فرمایی دوری نمایند. نرخ بالای بیکاری دانش‌آموختگان رشته‌های کشاورزی و دامپزشکی (بالای ۵۰ درصد) شاهده‌ای بر این مدعا است. اما در صورتی که شرایط کار و کارآفرینی و فرایند رونق کسب‌وکار در جامعه به‌گونه‌ای فراهم آید که مردم مطمئن باشند بدون مدرک دانشگاهی نیز می‌توانند صاحب شغل، رفاه و درآمد مناسب باشند، قطعاً رقابت شدید برای ورود به آموزش‌عالی و نگرانی‌ها پیرامون آن کاهش پیدا خواهد کرد. در کنار تسهیل شرایط کسب‌وکار و فراهم‌آوری شرایط اشتغال غیردولتی، بسترسازی نظام بیمه‌ای و رفاه اجتماعی مطلوب عام مشاغل، تقویت فرهنگ کار و کارآفرینی و ارزشمند بودن کار و مهارت در مقابل مدرک نقش مکمل و تعیین‌کننده‌ای در جهت‌دهی صحیح جامعه در راستای منافع کشور خواهد داشت.

۱. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۱۶۹۶۶، سال ۱۳۹۹.



#### ۴. عوامل درونی نظام سنجش و پذیرش

عوامل درونی و عمده تأثیرگذار بر سنجش و پذیرش کشور را می‌توان به سه دسته عمده شامل ابزار سنجش (کنکور و سابقه تحصیلی)، ساختار نظام سنجش و پذیرش و روش پذیرش، تقسیم‌بندی نمود که در ادامه به هر کدام از این عوامل به تفکیک پرداخته خواهد شد. چالش‌های درونی ضمن اینکه محل پایایی و روایی سنجش هستند جو روانی و حساسیت‌های حاکم بر روح و روان مردم را نیز تشدید می‌کنند. باید توجه داشت در نظام کنونی سنجش و پذیرش دانشجو در کشور دو ابزار سنجش یکی کنکور (آزمون سراسری) و دیگری سابقه تحصیلی وجود دارد که هر کدام مجزا بررسی می‌شوند.

#### ۴-۱. ابزار سنجش؛ کنکور

اگر نظام سنجش و پذیرش دانشجو نظامی به‌گونه‌ای بود که هیچ تأثیری بر سایر نظامات از جمله نظام آموزشی نداشت شاید بسیاری از مسائل و مشکلات آن، اصلاً مسئله محسوب نمی‌شدند. نمی‌توان سنجش و پذیرش را بدون تأثیراتی که بر نظام آموزشی کشور دارد بررسی نمود. روش برگزاری کنکور سراسری به انحای مختلف بر سنجش و پذیرش و نظام آموزشی کشور تأثیرگذار است. شیوه طراحی و نوع سؤالات آزمون، مدت زمان برگزاری آزمون، فصول برگزاری آزمون، دفعات برگزاری آزمون و شیوه نمره‌دهی همه از عواملی هستند که بر میزان عادلانه بودن، روایی<sup>۱</sup> و پایایی<sup>۲</sup> آزمون؛ همچنین بر میزان تولید اضطراب و نگرانی در بین داوطلبان و خانواده‌های آنان تأثیرگذار است. در ادامه برخی آسیب‌های ناشی از شیوه برگزاری کنکور آمده است.

#### الف) به حاشیه رانده شدن برنامه درسی مدرسه و تقدم مهارت تست‌زنی بر درک مطلب و یادگیری مهارت زندگی

سنجش بخش جدایی‌ناپذیر فرایند آموزش و یادگیری است. تأثیر سنجش در فرایند آموزش به اندازه‌ای است که متخصصان به‌کارگیری روش‌های مناسب سنجش را مؤثرترین و ساده‌ترین راه برای انجام اصلاحات آموزشی می‌دانند و از آن به‌عنوان موتور اصلاحات آموزش یاد کرده‌اند. نظام سنجش می‌تواند فرایند آموزش و یادگیری را هم به‌صورت مثبت و هم به‌صورت منفی متأثر سازد. تأثیر سنجش در جریان آموزشی به پدید آمدن مفهومی به‌نام آموزش جهت داده شده به‌وسیله اندازه‌گیری انجامیده است، رویکردی کلی به آموزش که در آن هدف آموزش بالا بردن سطح عملکرد دانش‌آموزان در یک روش خاص اندازه‌گیری است. با توجه به مفهوم آموزش جهت داده شده به‌وسیله اندازه‌گیری و اهمیت کنکور در نظام آموزشی ایران می‌توان انتظار داشت کنکور برای جنبه‌های مختلف تدریس و ارزشیابی معلمان

۱. روایی بدین معناست که روش یا ابزار به‌کار رفته تا چه حد می‌تواند خصوصیت مورد نظر را درست اندازه‌گیری کند.

۲. ابزار مورد استفاده در زمان‌های مختلف نتایج کم‌وبیش یکسان و نزدیک به‌دست آورد.

تأثیراتی داشته است.<sup>۱</sup> برخی پژوهش‌ها در این باره نشان می‌دهد که آزمون سراسری بر ترجیحات و آموزش و تدریس معلمان، انگیزه دانش‌آموزان برای یادگیری، هدفگذاری و نگرش معلمان، نحوه ارزشیابی آنان و نگرش آنان به کلاس‌های کنکوری تأثیر معناداری دارد.<sup>۲</sup>

بیش از ۴۰ سال است که آزمون ورودی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی در ایران به یک شیوه و با استفاده از پرسش‌های چهار گزینه‌ای برگزار می‌شود. ماهیت بسیاری از پرسش‌های این آزمون به نحوی است که با داشتن مهارت در تست‌زنی و نه لزوماً داشتن فهم درست از مطالب آموخته شده قابل پاسخگویی است. همچنین به دلیل محدودیت زمانی پاسخگویی به پرسش‌ها که کاملاً ماهیت مسابقه‌ای به این آزمون داده است، سرعت تست‌زنی به یکی از دغدغه‌های داوطلبان تبدیل شده است. علاوه بر این تعدادی دیگری از پرسش‌ها با داشتن محفوظات زیاد قابل پاسخگویی است. این عوامل باعث شده است دانش‌آموزان و اولیای مدارس به جای توجه به یادگیری و پرورش تفکر و خلاقیت در مدرسه و کسب مهارت‌های زندگی، به فراگیری و آموزش مهارت تست‌زنی و از بر کردن نکات به اصطلاح کنکوری بپردازند. این عوامل باعث شده است برنامه درسی-تربیتی مدارس، یادگیری، تفکر خلاق و کتاب‌های درسی به حاشیه رانده شوند.

همچنین، مشخص شده است که معلمان پیش‌دانشگاهی زمان شایان توجهی را صرف ایجاد آمادگی دانش‌آموزان برای پذیرش در کنکور سراسری می‌کنند.<sup>۳</sup>

### ب) فشارهای روانی جلسه کنکور

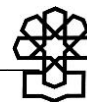
کنکور در ایران تنها در یک نوبت سالیانه، یک روز و یک جلسه برای هر گروه آزمایشی برگزار می‌شود. همه این موارد موجب تحت فشار قرار گرفته شدن داوطلب می‌شود. اینکه داوطلب در سال تنها یک بار شانس شرکت در آزمون را دارد و اگر موفق نشود باید یک سال دیگر صبر کند و این تصور که یک سال از عمرش به هدر می‌رود منشأ اضطراب و نگرانی زیادی است. همچنین، نگرانی بی‌مورد از خدمت نظام وظیفه این نگرانی را تشدید می‌کند.

همچنین برگزاری آزمون تنها در یک جلسه و یک روز موجب فشار زیاد در حین آزمون و کاهش کارایی بسیاری از داوطلبان می‌شود. این مورد به دلیل زیاد بودن موضوعات امتحانی که دامنه آنها هم دروس عمومی و هم دروس اختصاصی را دربرمی‌گیرد، اهمیت بیشتری دارد. بنابراین ممکن است داوطلبانی که زحمات زیادی متحمل شده باشند و از استعداد لازم نیز برخوردار باشند، به دلیل وجود این فشار روانی و خستگی ذهن نتوانند کارایی واقعی خود را نشان دهند. به هر حال اینکه یک مسابقه چندساعته و مبتنی بر مهارت تست‌زنی، سنجه عادلانه‌ای برای نتیجه ۱۲ سال تحصیل باشد، محل تأمل جدی است.

۱. فتح‌آبادی، ۱۳۹۶.

۲. همان.

۳. همان.



## ۲-۴. ابزار سنجش، سابقه تحصیلی

همان‌طور که پیش‌تر گفته شد قبل از پیروزی انقلاب نیز در برخی مقاطع زمانی معدل دوره متوسطه تحصیلی در پذیرش دانشگاه تأثیر داده می‌شد. بعد از انقلاب و پس از تصویب «قانون سنجش و پذیرش دانشجو در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور» در سال ۱۳۹۲ به تدریج ایجاد سابقه تحصیلی شروع شد. ایجاد سابقه تحصیلی از همان ابتدا با مشکلاتی از جمله عدم ایجاد سابقه کامل تحصیلی و مشکلات در اجرا مواجه بوده است. در ادامه برخی از مشکلات سابقه تحصیلی آمده است:

- ایجاد سابقه تحصیلی کامل برای هر دانش‌آموز با توجه به بالا بودن جمعیت دانش‌آموزی و تعداد دروس دوره متوسطه هم از حیث اجرایی و هم از منظر اقتصادی و نیروی انسانی بار سنگینی را به وزارت آموزش و پرورش تحمیل می‌کند.

- از آنجایی که امتحانات نهایی وزارت آموزش و پرورش جهت ایجاد سوابق تحصیلی، هنوز استاندارد به مفهوم علمی آن نشده‌اند، سوابق تحصیلی فارغ‌التحصیلان متوسطه یک سال تحصیلی با سال دیگر هم‌وزن نیست. به این لحاظ آزمون درسی یک پایه مشخص در دو سال متوالی لزوماً هم‌سطح نمی‌تواند باشد.

- در تصحیح اوراق با پاسخ‌های تشریحی امکان ارزشیابی کیفی، اعمال سلیقه و خطای انسانی و احتمالاً تضییع حقوق داوطلبان وجود دارد.

- افزایش تعداد داوطلبان با معدل یکسان برای یک رشته محل و فراتر رفتن این تعداد از ظرفیت پذیرش آن رشته محل، امر تفکیک و انتخاب بین داوطلبان را با مشکل مواجه می‌کند.

- نبود حوزه‌های متمرکز برگزاری آزمون و برگزاری توسط حوزه‌های متعدد و متکثر مستقر در مدارس که امکان کنترل و نظارت مطلوب را مخدوش می‌کند.

- افزایش فعالیت بخش خصوصی و آموزشگاه‌های آزاد برای ایجاد کلاس‌های خصوصی مبتنی بر آزمون‌های هماهنگ به بهانه ارتقای معدل دانش‌آموزان.

- وجود داوطلبان سنوات گذشته که دارای سابقه تحصیلی مد نظر نیستند.

- در کارایی استفاده از سوابق تحصیلی (نتایج آزمون‌های نهایی دروس هر سه سال متوسطه) به جای کنکور سراسری در رفع چالش‌های ناشی از کنکور محل تردید است. برخی از کارشناسان معتقدند با سراسری کردن آزمون‌های دروس دبیرستان عملاً یک کنکور با ده‌ها آزمون سراسری دیگر جایگزین می‌شود و بسیاری از تبعات کنکور نه تنها باقی می‌مانند، بلکه به همه سال‌های دبیرستان بسط داده می‌شوند. برای نمونه آموزشگاه‌هایی که برای موفقیت در تست‌زنی کنکور خدماتی ارائه می‌دادند هم‌اکنون جهت موفقیت در امتحانات نهایی نیز فعالند و تعداد آنها در آینده بیشتر خواهد شد. همچنین، فشارهای روانی حاصل از کنکور سراسری این‌بار به شکل دیگری داوطلبان ورود به دانشگاه را آزار می‌دهد.

### ۳-۴. روش پذیرش

سنجش و پذیرش همان‌طور که از ظاهر آن مشخص است شامل دو بخش سنجش و پذیرش است. درواقع بخش سنجش مرحله‌ای است که نمرات و کارنامه (نتیجه کنکور) و یا سابقه تحصیلی داوطلب تهیه می‌شود. بخش پذیرش نیز فرایند پس از سنجش است که منجر به انتخاب دانشجو می‌شود. این بخش شامل تعیین معیارها و صلاحیت‌های پذیرش است. همچنین، در این بخش وزن نمرات و سایر تجربیات و سوابق داوطلب و امتیازهای قانونی ارزشگذاری شده و مبتنی بر آن دانشجو انتخاب می‌شود. در ادامه به عمده مشکلات بخش پذیرش اشاره شده است.

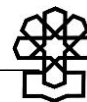
### ۴-۴. سهمیه‌های گوناگون

سهمیه‌های متنوع و متعدد تبدیل به یکی از ویژگی‌های سنجش و پذیرش ایران شده است. درواقع سهمیه‌ها نه در بخش نمره‌دهی و سنجش، بلکه در بخش پذیرش تأثیرات خود را نشان می‌دهند. منظور از سهمیه در کنکور ورود به دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور عموماً به مفهوم جداسازی بخشی از ظرفیت هر رشته محل و اختصاص آن به گروهی خاص است. با این اقدام آن بخش از ظرفیت که برای قشری خاص در نظر گرفته می‌شود قابل انتخاب و رقابت برای سایر اقشار نخواهد بود، مگر اینکه توسط گروه و یا قشر مورد نظر تکمیل نگردد. اما تعدد بالا، تنوع زیاد و گاهاً همپوشانی سهمیه‌ها از یک سو و تغییر مقتضیات زمان و وجود رقابت شدید در برخی رشته‌ها ازسوی دیگر، موجب ایجاد پیچیدگی‌هایی در پذیرش دانشجو شده است و این نگرانی را به وجود آورده است که آیا این ضوابط سهمیه‌ای در راستای عدالت آموزشی و جبران نابرابری‌هاست یا باعث خدشه در عدالت آموزشی و ایجاد تبعیض و نابرابری‌ها است.

یکی از دیگر از پیچیدگی‌های سهمیه‌ها تنوع مراجع ایجادکننده سهمیه در کشور است. اکثر سهمیه توسط دو مرجع شورای عالی انقلاب فرهنگی و مجلس شورای اسلامی به تصویب رسیده‌اند. با توجه به این مطلب و اینکه تاکنون حدود ۳۰ سهمیه در پذیرش دانشجو ایجاد شده است، در گزارش دیگری به تفصیل به مبحث سهمیه‌ها پرداخته خواهد شد.

### ۵-۴. عدم مشارکت دانشگاه‌ها در ارتقای سنجش و پذیرش دانشجو

نظام پذیرش دانشجو در ایران به گونه‌ای است که متولیان اصلی آموزش عالی که درواقع مقاصد سنجش و پذیرش هستند، در سنجش و پذیرش دانشجو هیچ دخالتی ندارند. این درحالی است که در بسیاری از کشورهای دنیا چه کشورهایی که آزمون‌های ورودی سراسری دارند مانند کشور ژاپن و چه کشورهایی که فاقد آزمون‌های ملی مانند کشور کانادا؛ دانشگاه‌ها نقش فعالی در سنجش و پذیرش دانشجو دارند. مشارکت دانشگاه‌ها در سنجش و



پذیرش دانشجو منجر به هم‌افزایی و جهت‌گیری تحقیقات دانشگاهی به مبحث سنجش و پذیرش خواهد شد و در نهایت نیز به پیوستگی و هماهنگی آموزش عالی و آموزش مدرسه‌ای منجر خواهد شد.

در کشور ژاپن مسئولیت برگزاری آزمون سراسری («آزمون مرکز ملی» برای پذیرش در دانشگاه)<sup>۱</sup> بر عهده مؤسسه مستقلی به نام «مرکز ملی آزمون‌های ورودی دانشگاه (NCUEE)<sup>۲</sup>» است که زیر نظر «وزارت آموزش، علوم، ورزش و فرهنگ» است. در نتیجه کارهایی که در این مؤسسه در ارتباط با «آزمون مرکز ملی» انجام می‌شود، از جمله استفاده از دانشگاه‌ها برای تهیه خدمات آزمون، باعث ارتقای آموزش در دانشگاه‌ها، دبیرستان‌ها و سایر مؤسسات آموزشی می‌شود. همچنین، از مهم‌ترین کارکرد دانشگاه‌ها در سنجش و پذیرش دانشجو در ژاپن اعلام موضوعات آزمون برای تصویب در «آزمون مرکز ملی» است.<sup>۳</sup> با این حال در ایران این نقش‌آفرینی صرفاً برای پذیرش داوطلبان مقطع دکتری تحصیلی تعریف شده است.

#### ۴-۶. ساختار نظام سنجش و پذیرش (چندپارگی نظام آموزش عالی ایران)

به نظر می‌رسد یکی از مشکلات سنجش و پذیرش دانشجو در ایران تعدد متولیان سنجش و پذیرش است که مانع از شکل‌گیری سیاستگذاری واحد و هماهنگی در اجرا شده است. مراجع چهارگانه سنجش و پذیرش شامل سازمان سنجش آموزش کشور، مرکز سنجش علوم پزشکی، مرکز سنجش آموزش و پرورش و مرکز سنجش دانشگاه آزاد اسلامی است. البته با تصویب «قانون سنجش و پذیرش دانشجو در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور» در سال ۱۳۹۲ و تشکیل «شورای سنجش و پذیرش دانشجو» طبق ماده (۲) این قانون، برنامه‌ریزی، تصویب مقررات هماهنگی و نظارت بر نحوه سنجش علمی و پذیرش دانشجو برای کلیه دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور در مقاطع کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد پیوسته، دکترای حرفه‌ای و دکترای پیوسته به عهده این شورا گذاشته شد. هر چند ایجاد این شورا گام مهمی در جهت انسجام‌بخشی و هماهنگی امور سنجش و پذیرش دانشجو در کشور است، اما هنوز برخی مشکلات به قوت خود باقی مانده‌اند. یکی از این مشکلات عدم هماهنگی و گاهی عملکرد فراقانونی این نهادهاست. برای مثال مرکز سنجش علوم پزشکی در کنکور کارشناسی ارشد سال ۱۳۹۸ داوطلبانی را که نمره زبان انگلیسی آنها کمتر از ۲۵ درصد بود را از امکان انتخاب رشته و دریافت کارنامه محروم نمود. این در حالی است که چنین مقرراتی در آزمون کارشناسی ارشد سازمان سنجش وجود نداشته است. همچنین، تعیین ضرایب دروس آزمون و تصویب دروس آزمون متمرکز دوره کارشناسی ارشد ... و تعیین ضرایب آنها از وظایف شورای سنجش و پذیرش در دوره‌های تحصیلات تکمیلی در دانشگاه‌هاست. بنابراین ناهمگونی و عدم‌تجانس در اقدامات مراکز سنجش خود عامل بروز برخی مسائل است.

1. The National Center Test for University Admissions

2. The National Center for University Entrance Examinations

۳. زراعت کیش، ۱۳۹۸.

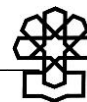
مورد دیگر اینکه، همان‌طور که پیش‌تر گفته شد مجلس شورای اسلامی تلاش نمود با تصویب دو قانون درخصوص سنجش و پذیرش دانشجو، کنکور را حذف و سوابق تحصیلی داوطلبان را جایگزین آن نماید. منظور از سوابق تحصیلی در قانون اخیر «نمرات دروس سه سال آخر دوره متوسطه... به صورت سراسری، نهایی و استاندارد...» است. اما وزارت آموزش و پرورش در ایجاد سوابق تحصیلی کامل، تاکنون ناکام مانده است. این وزارتخانه دلایل این امر را عدم ابلاغ اسامی دروسی که باید به صورت هماهنگ برگزار شوند، توسط دبیرخانه شورای سنجش و پذیرش (سازمان سنجش آموزش کشور) می‌داند که خود دلیلی بر تداوم ناهماهنگی‌ها در عرصه سنجش و پذیرش است.

### نتیجه‌گیری و پیشنهاد

چالش‌ها و مشکلات سنجش و پذیرش در ایران موضوع دیرپایی است که از ابتدای اجرای آزمون‌های سراسری در سال ۱۳۴۲ شمسی، همراه نظام سنجش و پذیرش بوده است. اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی با رشد شدید جمعیت و رشد تصاعدی آموزش عمومی تعداد داوطلبان ورود به دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی بسیار زیاد شد، در نتیجه سنجش و پذیرش اهمیت بسیار بیشتری یافت و طیف گسترده‌تری از جمعیت و مناطق جغرافیایی کشور ایران را متأثر ساخته است.

به‌طور کلی نتایج این مطالعه نشان می‌دهد:

۱. نظام سنجش و پذیرش در ایران از بدو تشکیل فاقد ثبات بوده و تا امروز بیش از ۲۰ بار تغییرات مهم و عمده به خود دیده است.
۲. تشتت در سیاستگذاری و امور اجرایی در نظام سنجش و پذیرش از جمله عوامل و چالش‌هایی است که بر نظام سنجش و پذیرش سایه افکنده است.
۳. تلاش‌های سیاستگذاران نه تنها به حل چالش‌های مذکور نینجامیده، بلکه روز به روز به مسئله‌های در این حوزه منجر شده است.
۴. افزایش جمعیت داوطلبان و پیچیدگی‌های تشکیلاتی، قانونی و مقرراتی ایجاد شده در نظام آموزش و سنجش و پذیرش کشور پس از پیروزی انقلاب اسلامی شدت و حدت چالش‌ها و مشکلات پیرامون سنجش و پذیرش را افزایش داده است و آن را تبدیل به یک موضوع مهم اجتماعی، علمی و فرهنگی کرده است.
۵. بیشترین رقابت و مسائل کنکور تنها مربوط به ۱۵ درصد ظرفیت دانشگاه‌هاست که حاوی رشته‌ها و رشته محل‌های پرمقتاضی هستند و عملاً سوابق تحصیلی نقشی در پذیرش این رشته‌ها ندارد.
۶. با وجود تصویب دو قانون برای حذف کنکور، این امر تاکنون محقق نشده است.
۷. علاوه بر تشتت در سیاستگذاری و تصمیم‌گیری در حوزه سنجش و پذیرش، از دیگر عوامل بیرونی تأثیرگذار بر نظام سنجش و پذیرش می‌توان به نظام حقوق و دستمزد و بیکاری دانش‌آموختگان دانشگاهی در بسیاری از



رشته‌ها، مدرک‌گرایی، پایگاه اجتماعی و فرهنگ جامعه تبلیغات آموزشگاه‌های آزاد متولی کلاس‌های کنکور و انتشارات کنکوری و آشفته‌گی بازار کار، دشواری کسب و کار و ضعف فرهنگ کار و کارآفرینی اشاره کرد.

۸. ۶ عامل درونی تأثیرگذار بر سنجش و پذیرش دانشجو در ایران عبارتند از: ایزلر سنجش شامل کنکور و سابقه تحصیلی، روش پذیرش، روش سنجش (سوالات کنکور و محدودیت زمانی) ساختار نظام سنجش و پذیرش (چندپارگی نظام آموزش عالی ایران)

۹. بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در هنر و کشاورزی بیشترین و در علوم پزشکی کمترین است. سنجش و پذیرش یک مسئله چندوجهی است و رفع کامل مشکلات و چالش‌های آن در کوتاه‌مدت بسیار بعید به نظر می‌رسد. بنابراین راهکارهایی که ارائه می‌شود نسبی هستند و هرکدام ناظر به بخشی از مشکلات و موانع است. با این حساب نباید انتظار داشت که یک راهکار واحد بتواند تمامی مسئله سنجش و پذیرش را حل کند. اگر هر راهکار بتواند بخشی از مسئله را حل و به بهبود وضع موجود کمک کند یک گام به جلو خواهد بود. پیشنهادهای باید بر محورهای زیر متمرکز شود که در گزارش آتی با تفصیل بیشتری به آنها پرداخته خواهد شد:

۱. پذیرش داوطلبان سه رشته پرطرفدار پزشکی، دندانپزشکی و داروسازی از مقطع کارشناسی (دارا بودن حداقل مدرک کارشناسی برای ورود به این رشته‌ها) با هدف برداشته شدن سایه کنکور از آموزش و پرورش عمومی،
۲. ایجاد هماهنگی و انسجام بیشتر در سیاستگذاری سنجش و پذیرش،
۳. ایجاد نظام یکپارچه سنجش و پذیرش دانشجو در کشور،
۴. اصلاح ترکیب شورای سنجش و پذیرش دانشجو،
۵. هماهنگی و انسجام بیشتر بین نهادهای متولی سنجش و پذیرش و آموزش کشور،
۶. بازنگری در سهمیه‌های مختلف به خصوص سهمیه‌های عمده،
۷. تشریحی شدن تمام و یا بخشی از پرسش‌های کنکور،
۸. برگزاری آزمون سراسری ورود به دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور حداقل دو نوبت در سال و هر نوبت حداقل دو روز برای هر گروه آزمایشی طول بکشد،
۹. تفکیک آزمون دروس عمومی و اختصاصی،
۱۰. پرهیز از تغییرات پی در پی در سیستم آموزش متوسطه در راستای جلوگیری از تغییرات سالیانه محتوای آزمون،
۱۱. افزایش بازه زمانی پاسخ به سؤالات آزمون با هدف ارزیابی درک داوطلبان از مطالب علمی و پرهیز از سنجش مهارت تست‌زنی،
۱۲. ممنوعیت تبلیغات کتب کمک آموزشی توسط انتشارات و آموزشگاه‌های خصوصی.

## منابع و مأخذ

۱. اسماعیلی، رضا. کنکور در ترازوی نقد و داوری دانش‌آموزان و دانشجویان؛ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۲.
۲. رجائی، علی. نتایج نظرسنجی از معلمان ریاضی پیرامون پیشنهادهایی جهت رفع معضلات کنکور سراسر کشور، دانشگاه صنعتی اصفهان، ۱۳۸۱.
۳. یارمحمدیان، احمد و همکاران. بررسی و مقایسه تأثیر کنکور بر وضعیت روانی و شخصیتی راه‌یافتگان و راه‌نیافتگان به دانشگاه و خانواده‌های آنان، ۱۳۸۴.
۴. مهرعلیزاده، یداله. آسیب‌شناسی سیاست بومی‌گزینی، فصلنامه انجمن آموزش عالی ایران، ۱۳۹۱.
۵. سبحانی، عبدالرضا. آسیب‌شناسی کنکور و بررسی امکان حذف آن در نظام پذیرش دانشجو، دانش و پژوهش در علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خوراسگان، ۱۳۸۶.
۶. شجاعی، محمدرضا. بررسی نظام سنجش و پذیرش در کشور و ارائه الگوی پیشنهادی؛ مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۴.
۷. هاشم‌نیا، شهرام. سازمان سنجش آموزش کشور؛ بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۳۸۳.
۸. ثابتی، مریم و همکاران. نقش آموزش عالی در توسعه ملی، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، ۱۳۹۳.
۹. فتح‌آبادی، جلیل و همکاران. تأثیر آزمون سراسری بر تدریس و ارزشیابی از دیدگاه معلمان، نامه آموزش عالی، ۱۳۹۶.
۱۰. معتمدی، عبدالم... تأثیر کنکور بر سلامت عمومی، عزت نفس و نشانه‌های اختلالات روانی.
۱۱. راه‌نیافتگان به دانشگاه؛ پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ۱۳۸۵.
۱۲. ناظم‌بکائی، محسن و همکاران. بررسی عوامل مؤثر بر تقاضای آموزش عالی ایران (رویکرد مدلسازی اقتصادی)، فصلنامه مطالعات اندازه‌گیری و ارزشیابی، ۱۳۹۶.
۱۳. کرمی، محمدرضا و همکاران. شناسایی و ارزیابی عوامل مؤثر بر تقاضای اجتماعی آموزش عالی، نامه آموزش عالی دوره جدید؛ ۱۳۹۶.
۱۴. زراعت‌کیش، یوسف. روش‌های سنجش و پذیرش دانشجو در جهان ۱. الگوها و مدل‌ها، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۸.
۱۵. نصیری، حسین. وضعیت رشد علمی کشور و چالش‌های پیش‌رو در گام دوم انقلاب، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۸.
16. Alireza Mazdaki and et all, A comparison of the earnings of specialist physicians and nurses before and after implementing the Iran's New Tariffs Book; Med J Islam Repub Iran. 2018.



مرکز پژوهش‌ها  
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۷۰۸۶

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: بررسی عوامل مؤثر بر ناکارآمدی سنجش و پذیرش دانشجو در ایران

نام دفتر: مطالعات آموزش و فرهنگ (گروه آموزش عالی)

تهیه و تدوین: یوسف زراعت‌کیش

ناظران علمی: صادق ستاری فرد، سینا کلهر

ویراستاران تخصصی: احمد داوری، موسی بیات

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی:

۱. تاریخچه سنجش و پذیرش
۲. مشکلات سنجش و پذیرش
۳. راهکارهای سنجش و پذیرش
۴. کنکور
۵. سهمیه‌های پذیرش



تاریخ انتشار: ۱۳۹۹/۳/۱۹